سبک رفتار

طرح: محمود محمدتبریزی/ جوان

حس کنجکاوی برای دیدن سانحه یا حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی و اتفاقی غیرمنتظره در بسیاری از انسان‌ها یا حتی می‌توانیم بگوییم در همه انسان‌ها وجود دارد اما چگونگی و نحوه برخورد با این حوادث است که اهمیت دارد. اینکه فرد بعد از مواجهه با سانحه یا اتفاق غیرقابل پیش‌بینی به کمک افراد می‌رود یا اینکه فقط تماشاگر است یا پا را فراتر می‌نهد و عکس سلفی و فیلم‌های گوناگون از این سانحه می‌گیرد، نکته‌ای درخور تأمل است

تماشاگران موبایل به دست، مزاحم‌های همیشگی حوادث

سلفی‌هایی که داغ پلاسکو را بیشتر کرد!

■ مهدی ارجمند

همه چیز خیلی سریع اتفاق افتاد. از زمان شروع آتش‌سوزی تا شعله‌ور شدن شعله‌های بی‌رحم آتش زمان زیادی نگذشت. هرچند با تلاش نیروهای زحمتکش آتش‌نشانی آتش ساختمان پلاسکو در همان دقایق اولیه مهار شد اما شرایط خاص این ساختمان و وسایل موجود در آن از جمله البسه، نخ، پارچه و پوشاک باعث شد تا آتش از قسمت دیگری از این ساختمان مرتفع و قدیمی شعله بکشد.

مردان آتش دوباره دست به کار شدند اما مثل اینکه کار خیلی سخت بود و چند دقیقه بعد حادثه‌ای هولناک اتفاق افتاد. بر اثر شدت حرارت سازه فلزی این ساختمان ۵۴ ساله رفته رفته ذوب شد و در مقابل دیدگان مردم و دوربین‌های خبرنگاران و عکاسان به یکباره فرو ریخت. غول پلاسکو در برابر بهت و حیرت همگان فروریخت و در این میان تعدادی از مردم و آتش‌نشانان زیر آوار ماندند و حادثه‌ای رقم خورد که داغش تا سال‌ها بر سینه مردم خواهد ماند.

داغ پاسکو تا ابد باقی خواهد ماند و یاد و خاطره آتش‌نشانان فداکار که با ایثار خود حماسه‌ای بزرگ آفریدند هیچ گاه از ذهن مردم پاک نخواهد شد. پلاسکو سوخت، دود شد، خاکستر شد و فروریخت اما چه کسی است که ایثار و فداکاری مردان آتش که پروانه‌وار به دل آتش زدند را فراموش کند؟ در این میان آنچه بر داغ پلاسکو افزود رفتار برخی از شهروندان بود که با هیچ معیار منطقی و اخلاقی قابل توجیه نیست!

از امداد تا مزاحمت

از همان لحظه اولیه شروع آتش‌سوزی امدادرسانی با جدیت شروع شد و با فروریختن ساختمان، امدادرسانی‌ها شدت گرفت با این حال آنچه باعث کندی امدادگری، مهار آتش و نجات افرادی که زیر آوار مانده‌اند شده بود، حضور شماری از مردم بود که حضورشان در آن لحظه هیچ دلیل و توجیهی نداشت.

جامعه موبایل به دست با شروع آتش‌سوزی و فاجعه فروریختن ساختمان پلاسکو صدها عکس و فیلم از این سانحه منتشر کردند. عکس و فیلم‌هایی که اگرچه برخی از آنها واقعاً کارآیی داشت و در انتشار اخبار سریع و دقیق و مستند مؤثر بود اما این خیل حضور باعث شد تا امدادرسانی به این حادثه دلخراش و بزرگ با کندی صورت گیرد. برخی از کارشناسان سازمان آتش‌نشانی و امداد و نجات حضور این تعداد از مردم را عاملی برای کندی امدادرسانی برشمردند و گفتند اگر چهارراه استانبول در زمان وقوع حادثه خلوت‌تر بود شاید امدادرسانی سریع‌تر و به شکل مطلوب‌تری انجام می‌شد.

مردم زیادی در چهار راه استانبول جمع شدند و این جماعت تماشاگر به جای کمک کردن به نیروهای امدادی و همکاری با آنها بیشتر از هر چیز دیگری با شلوغی، ازدحام و سد معبر باعث کندی امدادرسانی شدند، حال اینکه این جماعت تماشاگر خود می‌توانستند در همان لحظه‌های اولیه آتش‌سوزی به کمک نیروهای امدادی بشتابند. حضور بی‌سابقه این افراد در محل حادثه و شلوغی و ازدحام و از همه بدتر تلاش آنها برای گرفتن فیلم و عکس از این حادثه دلخراش باعث شد تا در روند امدادرسانی مشکلاتی ایجاد شود.

ضمن اینکه عکس‌های سلفی و فیلم‌های یادگاری این گروه داغ جدیدی شد بر دل خانواده‌هایی که عزیزانشان در این حادثه جانسوز به شهادت رسیدند.

واکنش مردم به سوانح، از دیروز تا امروز

رفتار نادرست برخی از شهروندان تماشاگر باعث انتقادات بسیار زیادی از سوی رسانه‌ها، مسئولان و نیز جامعه‌شناسان شد به گونه‌ای که برخی از جامعه‌شناسان با انتقاد شدید از این رفتار آن را نشان‌دهنده تغییر مناسبات جامعه دانستند.

برخی از جامعه‌شناسان بر این عقیده‌اند که در گذشته وقتی حادثه‌ای رخ می‌داد همه مردم سعی در کمک برای مهار حادثه و امدادرسانی به آسیب‌دیدگان داشتند و همه با هم کمک می‌کردند و مردم خود بازوی توانمند امدادگران بودند با این حال اما تغییر مناسبات اجتماعی مردم باعث شده تا شاهد حضور بی‌برنامه و نامنظم مردم در زمان وقوع حادثه باشیم.

این ادعای جامعه‌شناسان با مروری بر گذشته و یادآوری برخی از حوادث تلخ در دهه‌های گذشته کاملاً مشخص می‌شود.

به عنوان مثال خوب یادم است ۲۷ سال پیش یعنی حدود سال ۱۳۶۸ در محلی که زندگی می‌کردم خانه یکی از همسایه‌ها طعمه حریق شد و آتش در مدت زمانی کوتاه گسترش یافت و بی‌رحمانه شعله می‌کشید. شرایط خاص آن زمان به گونه‌ای بود که زمان رسیدن نیروهای آتش‌نشانی مانند اکنون با سرعت نبود و به خاطر کمبود ایستگاه‌های آتش‌نشانی مدتی طول می‌کشید اما خوب یادم است همسایه‌ها و اهالی محل به محض اطلاع از این آتش‌سوزی داوطلبانه به دل آتش زدند و با ایثار و فداکاری خود قبل از رسیدن نیروهای آتش‌نشانی موفق به نجات افراد در محاصره شعله‌های آتش شدند.

اگرچه حضور همسایه‌ها و ورود آنها به حریم منطقه‌ای که دچار آتش‌سوزی شده ممکن است با اصول ایمنی مغایرت داشته و حتی باعث ایجاد مشکلاتی برای آنها نیز بشود اما منظورم از ذکر این مثال و یادآوری خاطره ۲۷ سال پیش نشان دادن روحیه شجاعانه مردم و احساس تکلیف آنها در مواجهه با سوانح است یعنی همان مردمی که هشت سال حماسه دفاع مقدس را رقم زدند.

آن زمان نه از موبایل خبری بود و نه از شبکه‌های مجازی و پدیده ناخوشایندی به نام سلفی گرفتن اما با شناختی که از روحیه مردم دهه ۶۰ و ۷۰ دارم مطمئن هستم که اگر هم این امکانات در آن زمان وجود داشت به طور حتم مردم کمک کردن به افراد گرفتار در حادثه و همراه شدن با نیروهای امدادی را به گرفتن فیلم و عکس‌های سلفی ترجیح می‌دادند. این موضوع را وقتی با برخی صاحبنظران نیز در میان می‌گذارم آن را تأیید می‌کنند و همه بر این نکته توافق دارند که حتی اگر تلفن همراه و شبکه‌های اجتماعی در آن زمان وجود داشت باز هم هیچ‌کس به خودش اجازه نمی‌داد به جای کمک کردن به افراد در این سانحه تماشاگر بی‌تفاوت شعله‌های بی‌رحم آتش باشد و با بالارفتن از ماشین‌های آتش‌نشانی و امدادی سعی کند زودتر از بقیه فیلم و عکس‌هایی را از این حادثه دلخراش ارسال کند.

انتقادهای بی‌سابقه از جامعه تماشاگر

جامعه‌شناسان با انتقاد از این رفتار، تجمع کنندگان در این حادثه را جامعه تماشاگر می‌نامند و اعتقاد دارند که به وجود آمدن این جامعه تماشاگر یک هشدار است.

در این میان با شروع این حادثه و حضور بی‌نظم و ازدحام و شلوغی بیش از حد این حادثه باعث شد تا انتقادات از این رفتار از همان دقایق اولیه از سوی برخی افراد سرشناس شروع شود. یکی از مجریان تلویزیونی با انتقاد از این رفتار در پست اینستاگرامی خود با اشاره به حضور بی‌شمار مردم نوشت: «آقا برید خونه، میگیم یه دوربین بیاد فقط شما رو نشون بده!» علی دایی، آقای گل جهان و رامبد جوان در برنامه خندوانه نیز به شدت از این رفتار انتقاد کردند و خواستار فرهنگ‌سازی در این باره شدند.

اگرچه در روزهای بعد بسیاری از مردم سنگ تمام گذاشتند و با عدم تردد در محل حادثه و نیز حضور در ایستگاه‌های آتش‌نشانی ضمن تحسین ایثار و شجاعت آتش‌نشانان فداکار با خانواده‌های این شهیدان و همکاران آنها در سازمان آتش‌نشانی ابراز همدردی کردند که در جای خود کاری بسیار زیبا بود اما رفتار اولیه برخی از شهروندان با تجمع در محل حادثه و گرفتن عکس‌های سلفی و فیلم‌هایی از لحظه اولیه آتش‌سوزی ساختمان و انتشار سریع آنها هنوز هم انتقاداتی را به دنبال دارد.

دو روی سکه شبکه‌های اجتماعی

یک روزنامه‌نگار و کارشناس رسانه در تحلیل تجمع مردم در سانحه پلاسکو یا دیگر سوانح مشابه و اقدام آنها در گرفتن فیلم و عکس می‌گوید: حضور مردم در این سانحه و حوادثی شبیه به آن و روشن شدن دوربین‌های موبایل آنها از دو زاویه قابل بحث و تحلیل است. نخست بعد مثبت این اتفاق است به گونه‌ای که عکس و فیلم‌های آنها و انتشار از طریق شبکه‌های اجتماعی خیلی سریع‌تر از انتشار اخبار از طریق رسانه‌های رسمی صورت گرفت و در حقیقت می‌توان گفت که حادثه پلاسکو به خوبی نشان داد که شبکه‌های اجتماعی در اطلاع‌رسانی و سرعت انتشار اخبار نقش مهم و انکارناپذیری دارند.

محمد ربانی ادامه می‌دهد: اما روی دوم سکه این رفتار مردم، اجتماع همراه با بی‌نظمی و شلوغ آنهاست که باعث ایجاد اخلال در روند امدادرسانی شد.

او می‌گوید: این افراد با حضور بی‌موقع خود در محل حوادث باعث ایجاد شلوغی، ترافیک و بی‌نظمی در محل حادثه می‌شوند که این موضوع باعث اخلال در روند امدادرسانی به حادثه‌دیدگان می‌شود.

این فعال رسانه‌ای می‌افزاید: واقعاً در برخی از سوانح برای حضور این افراد که برخی‌ها از آنها به اشتباه به عنوان شهروند خبرنگار نام می‌برند، هیچ ضرورتی وجود ندارد. به گفته او، هیچ لزومی ندارد که یک فرد در محل حادثه حضور یابد و تلاش کند تا عکس و فیلمی مناسب و بهتر از سایرین بگیرد و هرچه سریع‌تر آن را انتشار دهد چراکه این وظیفه یک خبرنگار و جزو رسالت‌های اهالی رسانه

موضوع شهروند خبرنگار موضوعی کاملاً متفاوت با آن چیزی است که در سانحه پلاسکو دیدیم. برخی افراد به اشتباه از تجمع کنندگان در سانحه پلاسکو با عنوان شهروند خبرنگار نام می‌برند که کاملا اشتباه و مغایر با تعریف دقیق و اصولی از موضوع شهروند خبرنگار است

است و یک فرد عادی از افراد جامعه ضرورتی ندارد زودتر از دیگران در محل حادثه حاضر شود و اقدام به گرفتن فیلم و عکس کند.

ربانی در ادامه می‌افزاید: این رفتار نشان‌دهنده این است که برای استفاده صحیح از امکانات گوشی‌های تلفن همراه و نیز کارکردن در فضاهای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیاز به فرهنگ‌سازی و آموزش داریم.

این کارشناس رسانه و مدرس دانشگاه خاطرنشان می‌کند: موضوع شهروند خبرنگار نیز موضوعی کاملاً متفاوت با آن چیزی است که در سانحه پلاسکو دیدیم. برخی افراد به اشتباه از تجمع کنندگان در سانحه پلاسکو با عنوان شهروند خبرنگار نام می‌برند که کاملاً اشتباه و مغایر با تعریف دقیق و اصولی از موضوع شهروند خبرنگار است.

نیاز به فرهنگ‌سازی داریم

در همین ارتباط یک کارشناس مسائل اجتماعی می‌گوید: موضوع تماشای یک سانحه یا حادثه غیرمترقبه از قدیم‌الایام در جوامع مختلف وجود داشته است و این یک موضوع قدیمی است که ریشه در نوع نگاه مردم هر جامعه به سوانح و حوادث دارد.

سعید اکبری‌راد می‌افزاید: به عنوان مثال برخی از مردم هستند که برای تماشای برخی از مراسم‌های اعدام ۵ صبح در محل حاضر می‌شوند که این موضوع نشان‌دهنده این است که این افراد همواره برای دیدن صحنه‌های غیرعادی و سوانح قابل توجه وقت می‌گذارند، اما باید قبول کرد که در سال‌های اخیر این میل و اشتیاق برای تماشای سوانح و حوادث افزایش یافته است.

وی می‌گوید: در سال‌های اخیر به خاطر اینکه مناسبات اجتماعی دستخوش تغییراتی شده است، شاهد این هستیم که مردم در هنگام مواجه شدن با سوانح و حوادث غیرمترقبه یا اتفاقات جالب توجه فقط و فقط نظاره‌گر آن حادثه هستند و به جای اینکه به فکر کمک کردن به افراد حادثه‌دیده باشند با خونسردی تمام به تماشای حادثه می‌نشینند و عکس و فیلم می‌گیرند.

او ادامه می‌دهد: این خونسردی مردم موضوعی است که باید به صورت ریشه‌ای درباره آن تحقیق کرد.

اکبری‌راد در ادامه صحبت‌های خود می‌گوید: حس کنجکاوی برای دیدن سانحه یا حادثه‌ای غیرقابل پیش‌بینی و اتفاقی غیرمنتظره در بسیاری از انسان‌ها یا حتی می‌توانیم بگوییم در همه انسان‌ها وجود دارد اما چگونگی و نحوه برخورد با این حوادث است که اهمیت دارد. اینکه فرد بعد از مواجهه با سانحه یا اتفاق غیرقابل پیش‌بینی به کمک افراد می‌رود یا اینکه فقط تماشاگر است یا پا را فراتر می‌نهد و عکس سلفی و فیلم‌های گوناگون از این سانحه می‌گیرد، نکته‌ای درخور تأمل است. او خاطر نشان می‌کند: این موضوعات نشان می‌دهد که این نوع رفتار مردم جامعه با حوادث و سوانح را باید به شکل ریشه‌ای مورد بررسی قرار داد و راهکارهای آموزشی و فرهنگ‌سازی در این خصوص را بررسی کرد.

در هر حال آنچه مشخص است اینکه سوانح و حوادث غیرمترقبه باز هم ممکن است در جامعه رخ دهد، هرچند آرزو می‌کنیم دیگر شاهد وقوع حادثه‌ای دلخراش هچون آتش‌سوزی پلاسکو نباشیم اما حادثه هیچ‌گاه خبر نمی‌کند و هر لحظه ممکن است در جایی دیگر خدای ناکرده اتفاقی هرچند کوچک رخ دهد. حال باید دید با این انتقادات از رفتار جامعه تماشاگر موبایل به دست در سانحه پلاسکو باز هم در هنگام وقوع حادثه‌ای دیگر شاهد حضور این جامعه تماشاگر همراه با بی‌تفاوتی، خونسردی یا مزاحمت آنها در محل حادثه خواهیم بود یا پلاسکو به درس بزرگی برای همه ما تبدیل شده است؟!

نگاه

یکی جلوی این جماعت را بگیرد

جامعه تماشاگر، از میدان کاج تا چهارراه استانبول

■ حسین گل‌محمدی

آنها همیشه بوده‌اند از قدیم. فرقی هم نمی‌کند چه حادثه‌ای باشد. در محل زندگی آنها رخ داده باشد یا در منطقه‌ای دیگر. جماعت تماشاگر و بی‌تفاوت همه‌جا هستند.

کافی است از یک اتفاق ناگوار باخبر شوند و شاهد یک حادثه باشند، حالا این حادثه می‌خواهد کوچک باشد یا بزرگ؛ از دعوای عادی دو نفر در خیابان گرفته تا تصادف دلخراش یک انسان بی‌گناه با اتومبیل یا آتش گرفتن منزل مسکونی، انفجار، خودکشی، دعوای خیابانی یا تعقیب و گریز پلیس با متهمان یا هر حادثه دیگری که قابل توجه باشد. این جماعت خیلی زود و در کمتر از چند ثانیه در محل جمع می‌شوند. نکته جالب توجه هم تماشاگر بودن آنهاست و باز بدتر از آن، گرفتن عکس و فیلم‌های متعدد از این سانحه. این جماعت موبایل به دست و کنجکاو همه جا هستند، در تمام شهرها و حتی روستاها اما در شهرهای بزرگ بیشترند.

تماشاگرهای دائمی حوادث به محض اینکه آژیر ماشین پلیس یا صدای آژیر ممتد آتش‌نشانی را بشنوند یا اینکه شاهد تخریب و فرو ریختن یک ساختمان باشند یا از نزدیک دعوای خیابانی فرد یا افراد را ببینند یا شاهد زبانه کشیدن شعله‌های آتش باشند یا هر حادثه دیگر در کمتر از چشم‌برهم‌زدنی و خیلی زودتر از آنچه فکرش را بکنید در محل حادثه جمع می‌شوند. از هر طرفی با هر وسیله‌ای خود را می‌رسانند و خیلی زود گوشی‌های تلفن همراه خود را از جیب‌شان درمی‌آورند و شروع می‌کنند به عکس و فیلم گرفتن.

این جماعت تماشاگر بدون توجه به عمق حادثه و بدون اینکه بالاخره به عنوان یک فرد می‌توانند شاید کمکی به همنوع خود کنند، فقط و فقط با گوشی‌های تلفن همراه خود شروع می‌کنند به عکس و فیلم گرفتن و خیلی خونسردتر از آنچه فکرش را بکنید به تماشای حادثه می‌نشینند.

اینکه ریشه این گونه رفتارها چیست و از چه زمانی این نوع رفتارها در جامعه شیوع پیدا کرد، خیلی مشخص نیست. اگرچه می‌توان حدس زد از ابتدا این نوع رفتارها در جامعه وجود داشته اما در دو دهه اخیر با تغییر مناسبات اجتماعی و شیوه استفاده از تلفن‌های همراه هوشمند و رفتارهای غلط همراه با آن مردم افزایش یافته است.

نمونه خیلی شاخص این نوع رفتارها به حادثه دلخراش میدان کاج در سال ۱۳۸۹ می‌شوند و اقدام به گرفتن عکس و فیلم می‌کنند یا بی‌تفاوت و خونسرد به تماشای سانحه می‌نشینند، درست مانند کسی که دارد یک فیلم سینمایی اکشن را از نزدیک مشاهده می‌کند. حال اینکه همین جماعت حداقل کاری که می‌توانند بکنند این است که یا به کمک فرد و افراد حادثه دیده بیایند یا اینکه خیلی سریع با نیروهای امدادی تماس بگیرند و آنها را از اتفاقات رخ داده مطلع کنند.

برخی از این افراد طوری عکس و فیلم می‌گیرند که انگار نباید حتی برای لحظه‌ای، کوچک‌ترین صحنه این حادثه را از دست بدهند.

این پدیده ناهنجار اجتماعی در حوادث بعد از حادثه میدان کاج نیز تکرار شد و اگرچه در این سال‌ها رسانه‌ها و جامعه‌شناسان در خصوص این پدیده ناهنجار هشدار داده بودند اما این هشدارها جدی گرفته نشد و اوج این ناهنجاری اجتماعی در حادثه تلخ و دلخراش پلاسکو به چشم خورد؛ حادثه‌ای که تا سال‌های سال داغ آن بر دل مردم و مسئولان و خانواده‌های آتش‌نشانان فداکار و قربانیان این حادثه خواهد ماند. اما آنچه داغ دل این خانواده‌ها را بیشتر می‌کند، سلفی گرفتن‌های متعدد و بی‌مورد برخی از افراد بیکار و تماشاگر است که در کمال خونسردی و در حالی که نیروهای امدادی اشک‌ریزان و مضطرب به دنبال یافتن اجساد قربانیان این حادثه در تلی از آهن و شعله‌های

جامعه تماشاگر، بی‌تفاوت و خونسرد در حوادث خیلی زود ظاهر می‌شوند و خیلی زود هم فیلم و عکس می‌گیرند و ضمن به وجود آوردن یک فرهنگ نادرست و یک ناهنجاری در جامعه، روند امدادرسانی به افراد حادثه‌دیده را نیز مختل می‌کنند. برخی از این افراد طوری عکس و فیلم می‌گیرند که انگار نباید حتی برای لحظه‌ای، کوچک‌ترین صحنه این حادثه را از دست بدهند

بازمی‌گردد زمانی که در یک نزاع خیابانی جوانی با ضربات چاقو به قتل می‌رسد و در حالی که بدن نیمه‌جانش در خون غوطه‌ور است اما عده‌ای با بی‌تفاوتی تمام شروع به گرفتن عکس و فیلم می‌کنند.

اگرچه این عکس گرفتن‌ها و فیلمبرداری با گوشی‌های تلفن همراه در آن زمان بعداً به کمک پلیس هم آمد و حتی دو مأمور ناجا که در صحنه حضور داشتند و به رغم مشاهده حادثه تلاشی برای جلوگیری از آن نکردند توبیخ شدند اما این حادثه شروع و آغاز جدی ظهور یک پدیده بسیار خطرناک به نام جامعه تماشاگر شد. جامعه تماشاگر، بی‌تفاوت و خونسرد در حوادث خیلی زود ظاهر می‌شوند و خیلی زود هم فیلم و عکس می‌گیرند و ضمن به وجود آوردن یک فرهنگ نادرست و یک ناهنجاری در جامعه، روند امدادرسانی به افراد حادثه‌دیده را نیز مختل می‌کنند.

این جماعت که در همه‌جا حضور دارند به محض اطلاع از وقوع یک سانحه خیلی زودتر از مأموران امدادی در محل حادثه حاضر بی‌رحم آتش بودند، این افراد مشغول گرفتن فیلم و عکس‌های سلفی از این حادثه بودند؛ حادثه‌ای بس دلخراش که یک پدیده ناهنجار اجتماعی داغ آن را بیشتر و زخمش را ریشتر کرد. با اعلام خبر حادثه پلاسکو خیلی از خانواده‌ها نگران شدند، کسبه از اضطراب مردند و زنده شدند، آتش‌نشانان فداکار زیر آوار ماندند، تعدادی از مردم بیگناه قربانی حادثه شدند و کودکانی معصوم با چشم‌های نگران و اشک‌آلود منتظر بازگشت پدر بودند اما عده‌ای خیلی خونسرد فقط و فقط عکس می‌گرفتند و سلفی می‌انداختند و طولی نکشید که عکس‌های آنها و سلفی‌های متعددشان با ژست‌های مختلف و فیلم‌های آنها از زاویه‌های گوناگون در شبکه‌های اجتماعی دست به دست شد.

عکس و فیلم‌هایی که شاید هیچ وقت به درد هیچ کس نخورد و تنها مدتی در حافظه گوشی این جماعت تماشاگر باقی است و بعد از مدتی از حافظه گوشی پاک خواهد شد اما رفتارهای ناهنجار آنان است که سال‌های سال در ذهن جامعه باقی خواهد ماند و داغی بدتر از داغ آتش پلاسکو بر دل خیلی‌ها می‌گذارد. در هر حال حادثه پلاسکو با تمام حاشیه‌هایش گذشت اما به طور حتم این احتمال وجود دارد که باز هم شاهد حوادث غیر مترقبه‌ای باشیم و اگرچه دعا می‌کنیم دیگر شاهد این حوادث نباشیم اما بی‌شک دعای اصلی این است که اگر هم خدای ناکرده اتفاقی رخ داد دیگر شاهد این نباشیم که عده‌ای با کمال خونسردی و بی‌تفاوتی کامل به تماشای حادثه بنشینند و بدتر از آن، حتی فیلم و عکس هم بگیرند. اولین گام در این زمینه فرهنگ‌سازی اصلی از طریق خانواده، مراکز آموزشی و رسانه‌هاست و نقش صداوسیما در این زمینه بسیار تعیین‌کننده است، به عبارت خودمانی، بالاخره یکی باید جلوی این جماعت را بگیرد.